



روز جهانی رادیو و صدای خاموش زنان در رسانه‌های شنیداری افغانستان



سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) ۱۳ فبروری را به «روز جهانی رادیو» اختصاص داده است. از این روز در حالی در نقاط مختلف جهان بزرگداشت می‌شود که افغانستان در دو سال گذشته گواهی چشم‌گیر فعالیت کانال‌های رادیویی بوده است. شماری از شهروندان کشور و خبرنگاران محلی در ولایت‌های کشور می‌گویند که بیشتر رسانه‌هایی که قبلاً برای زنان نشرات داشتند، اکنون از فعالیت باز مانده‌اند.

۵

برف باری‌های سنگین؛

مسیرهای ۱۰ ولسوالی بدخشان مسدود است

۵

طالبان مدعی فعالیت بیش از ۲۰۰ رادیو در افغانستان هستند



۸ صبح، کابل: وزارت اطلاعات و فرهنگ طالبان در پیامی به مناسبت روز جهانی رادیو گفته که در حال حاضر بیش از ۲۰۰ رادیو در افغانستان فعال است. عبدالمتین قانع، سخنگوی وزارت اطلاعات و فرهنگ طالبان، روز دوشنبه، ۲۴ دلو، گفته است که در حال حاضر ۳۶۷ رسانه داخلی در افغانستان فعالیت می‌کند. سخنگوی وزارت اطلاعات و فرهنگ طالبان هیچ اشاره‌ای به رسانه‌هایی که از فعالیت باز مانده، نکرده است. بر بنیاد اطلاعات طالبان، از زمان تسلط این گروه بر افغانستان تا کنون، ۸۰۰ ژورنالیست از ۲۵۰ رسانه برای تهیه خبر و گزارش وارد افغانستان شده‌اند.

در حالی که رسانه‌ها و خبرنگاران افغانستان با اعمال محدودیت‌های گسترده از سوی طالبان مواجه‌اند، سخنگوی وزارت اطلاعات و فرهنگ طالبان می‌گوید که تنها مشکل رسانه‌های داخلی اقتصادی است. بر اساس گزارش‌ها، پیش از سقوط حکومت پیشین، نزدیک به ۳۵۰ رادیو در افغانستان فعالیت داشت.

اختلافات سران طالبان؛ حنفی از ضرورت تقویت نظام آموزشی سخن گفت

۸ صبح، کابل: پس از انتقادات سراج‌الدین حقانی، سرپرست وزارت داخله طالبان از رهبری این گروه، اکنون معاون اداری رییس‌الوزرای طالبان می‌گوید تا زمانی که سیستم آموزشی تقویت نشود، هیچ‌گاه نمی‌توان دعوی یک کشور مستقل را داشت. عبدالسلام حنفی، معاون اداری رییس‌الوزرای طالبان، روز یکشنبه، ۲۳ دلو، در نشست در دانشگاه کابل گفته است، وظیفه یک مفتی تنها این نیست که بگوید «ممنوع» است و وقتی مفتی چیزی را منع می‌کند، باید راه بدیل هم ارائه دهد.

او افزوده است: «ما اگر دعوی می‌کنیم وطن خود را این

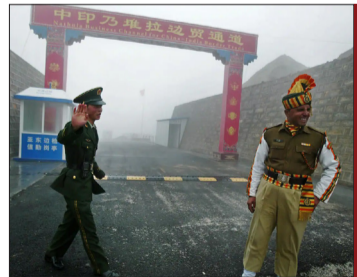


سرما و بیماری در افغانستان طی یک ماه جان صدها کودک را گرفته است

۸ صبح، کابل: صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد می‌گوید که زمستان در افغانستان به گونه وحشیانه به آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه این کشور تلفات وارد کرده است. یونسف روز دوشنبه، ۲۴ دلو، با نشر توییتی گفته است که در یک ماه زمستان سال روان میلادی، صدها کودک در افغانستان به دلیل سرما و بیماری‌های ناشی از آن جان داده‌اند. به گفته صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل، این رقم از کودکان تنها در ماه جنوری سال



رقابت و اختلاف با چین، هند را به دامن امریکا پرتاب خواهد کرد؟



تلاش‌های مبارزه با تروریسم

پس از خروج نیروهای ایالات متحده و ناتو از افغانستان، استراتژیست‌ها در واشنگتن احساس کردند که پاکستان به آن‌ها خیانت کرده است.





داستان فریبنده اختلافات رهبران طالب

از مدتی به این سو تبصره‌های بسیاری بر سر اختلافات درونی طالبان در رسانه‌ها مطرح شده و در مورد عواقب آن اختلافات گمانه‌زنی‌هایی جریان دارد. حتی از کودتای احتمالی در کابل نیز صحبت شده است. به تازگی برخی زورمندان طالب نیز انتقادهایی را در نشست‌های علنی از وضعیت موجود و سیاست‌های رهبری گروه مطرح کرده‌اند. برخی محافل خارجی تبلیغ می‌کنند که در درون طالبان کسانی هستند که اگر فرصت بیابند، در ساختن نظامی که برای جامعه بین‌المللی قابل قبول باشد و بتوان آن را به رسمیت شناخت، گام‌های جدی بردارند. کسانی از درون طالبان هم می‌کوشند با موضع‌گیری‌های خود گاهی آن تصور را تقویت کنند، اما اگر گذشته معیار قضاوت باشد، نباید به تحول مثبت از درون طالبان امید بست. حدود سه دهه حضور این گروه در عرصه سیاست باید زمان کافی باشد تا بدانیم که ریشه‌های فکری، پایگاه‌های اجتماعی و تکیه‌گاه‌های مالی و استخباراتی این گروه امکان چه کارهایی را برایش می‌دهد و باید از آن چه انتظاراتی داشت. در دور نخست نیز وقتی طالبان به میدان آمدند، گفته می‌شد که در درون آن گروه نیروهای غیرطالبانی از جمله حامیان ظاهرشاه حضور دارند و وقتی قدرت را بگیرند، دولت سراسری قانونی تشکیل خواهد شد و طالبان به مدارس خود برخواهند گشت. گمنامی رهبران و فرماندهان طالب فرصت گمانه‌زنی‌ها و تبلیغات عجیب‌وغریب را مهیا کرده بود، از جمله برای تعدادی از نام‌های رموز چون ملا برادر که اکنون نیز «مایه امید» برخی محافل خارجی و فریب‌خورده‌گان داخلی شده است، هویت‌های عجیب‌وغریب می‌تراشیدند. یکی را کرنیل پاکستانی، دیگری از کادر خلقی و کسانی را نفوذی‌های ظاهرشاه و نیروهای لیبرال ساکن غرب می‌خواندند. در میان احزاب و سازمان‌های سیاسی از این صحبت‌ها بسیار می‌شد و خیلی نیرو و وقت هدر می‌دادند. اما عمل کرد طالبان نشان داد که آن گروه از یک جریان سیاسی-اجتماعی نماینده‌گی می‌کند که طی سال‌های طولانی در اثر تبلیغات سیستماتیک و حمایت‌های مالی گسترده در منطقه ماریشه دوانده، از میان توده‌های وسیع روستایی و محرومان شهری سربازگیری می‌کند، متحدان منطقه‌ای و جهانی دارد و دچار توهمات وحشت‌ناک فکری نسبت به جهان و زندگی است. این نیروی عقب‌مانده و پوتانسلیل ویرانگر با مشوق‌های مالی و تسلیم‌طلبی‌های سیاسی مهار نمی‌شود و به اعتدال نمی‌گراید، بلکه قوی‌تر و مخرب‌تر می‌شود. تمایلات فردی تعدادی از قدرتمندان طالب نیز نمی‌تواند مسیر این گروه ارتجاعی را که علت وجودی‌اش نفی و تخریب است و در منظومه فکری‌اش ساختن و آباد کردن جایی ندارد، با تروریسم و جهادگرایی جهانی درهم تنیده و به اقتصاد سیاه و مافیایی معتاد است، چنان متحول سازد که یک‌باره به نیروی سیاسی صاحب صلاحیت اداره کشور و رهبری ملت بدل شود. چنین تحول آرمانی اگر ممکن هم باشد، از راه تسلیمی و دادن امتیازات مالی و سیاسی میسر نمی‌گردد، بلکه گروه طالبان مثل هر پدیده اجتماعی یا باید به اجبار و از طریق مبارزه و ایستاده‌گی خنثا شود و یا باید گذاشت تا به تدریج و طی یک دوران دردناک و بسیار طولانی رویارویی با واقعیت‌ها در درون جامعه هضم شود.

چشم‌داشتن به تحول مثبت از درون طالبان اشتباه است. آن گروه با عناصر و ریشه‌های کنونی‌اش ظرفیت اقدام مثبت را ندارد. طالبان نیروی شر است و برای ملت افغانستان جز ایستاده‌گی و مبارزه برای عبور از این دوران سیاه طالبانی، گزینه دیگری به چشم نمی‌آید. اگر سبعت تروریستی آن گروه، اقدامات وحشیانه و سرسختی آن در برابر تغییر را که در نزدیک به سه دهه شاهد بودیم کنار بگذاریم، یک‌وینیم سال اخیر درس‌های فراوان از واهی بودن امید به تغییر طالب، دارد. مخالفان طالبان اگر نتوانند خود را انسجام بخشند و همچنان گوش‌به‌زنگ اعتراض سراج‌الدین حقانی در برابر ملا هبت‌الله و نارضایتی ملا برادر و امثال‌شان بمانند، در تداوم برپادی کشور سهم خواهند داشت و نسل‌های آینده تنها به طالبان نفرین خواهند کرد، بلکه به هزاران آدم سیاسی، صاحب امکانات و مسوولیت تاریخی که منفرانه برپادی کشور و رنج مردم را تماشا می‌کنند، نیز نفرین خواهند فرستاد.

تدابیر شدید امنیتی در خوست؛ اعضای برجسته شبکه حقانی برای دومین روز جلسه گرفته‌اند



۸صبح، خوست: منابع محلی در خوست از اتخاذ تدابیر شدید امنیتی در دومین روز گردهمایی اعضای برجسته و فرماندهان شبکه حقانی خبر می‌دهند. منابع روز دوشنبه، ۲۴ دلو، می‌گویند که شماری از فرماندهان و اعضای برجسته شبکه حقانی به شمول سراج‌الدین حقانی از دو روز به این سو در ولایت خوست گرد هم آمده‌اند. تاکنون جزئیاتی از این نشست‌ها به بیرون درز نکرده است. این در حالی است که سراج‌الدین حقانی، سرپرست

وزارت داخله طالبان و رهبر شبکه حقانی، روز گذشته در مراسم فراغت دانش‌آموزان یک مدرسه دینی در خوست، در اظهاراتی به‌گونه غیرمستقیم ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان، را به انحصار قدرت و تحمیل دیدگاه‌ها بر زیردستانش متهم کرد که واکنش‌هایی را در میان اعضای این گروه در پی داشت.

ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، یک روز پس از اظهارات سراج‌الدین حقانی گفت که انتقاد از امیر باید به‌صورت پنهانی صورت گیرد.

دومین بسته ۴۰ میلیون دالری در دو روز گذشته به کابل رسید

۲۴ دلو، در رشته توییت‌هایی گفته که این بسته پول نقد به یکی از بانک‌های خصوصی سپرده شده است.

بانک مرکزی طالبان با استقبال از ارسال این بسته کمک نقدی، خواستار انتقال این کمک‌ها از طریق سکتور بانکی شده است. این در حالی است که سکتور بانکی افغانستان پس از تسلط طالبان از سوی جامعه جهانی تحریم شده است.

گفتنی است که روز گذشته نیز بانک مرکزی طالبان از رسیدن یک بسته ۴۰ میلیون دالری به کابل خبر داد.



۸صبح، کابل: بانک مرکزی زیر اداره طالبان از رسیدن یک بسته ۴۰ میلیون دالری دیگر به کابل خبر داده است. حساب کاربری بانک مرکزی چاشت روز دوشنبه،

درگیری در شهر کابل؛ طالبان:

بر مخفی‌گاه داعش حمله کردیم

۸صبح، کابل: ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان، می‌گوید که حمله بر یک مخفی‌گاه گروه داعش در کارته نو، از مربوطات حوزه هشتم امنیتی شهر کابل بود.

مجاهد دوشنبه‌شب، ۲۴ دلو، با نشر توییتی مدعی شده است که تاکنون شماری از اعضای داعش کشته شده‌اند و عملیات به گفته او با احتیاط به پیش می‌رود.

بر اساس ادعای مجاهد، در میان داعشیان افراد خارجی هم حضور دارند. این در حالی است که منابع به روزنامه ۸صبح نیز



گفته‌اند که این درگیری میان یک خانواده مرتبط با داعش و گروه طالبان به وقوع پیوسته است. منابع اضافه کرده‌اند که تاکنون دست‌کم ۱۰ انفجار در این ساحه رخ داده است.

روز جهانی رادیو؛

رسانه‌های محلی هرات: حتا در نشر رویدادهای ترافیکی با محدودیت مواجه هستیم



۸صبح، کابل: در روز جهانی رادیو، شماری از رسانه‌های محلی در هرات می‌گویند که بدون هماهنگی با طالبان هیچ برنامه‌ای را نمی‌توانند نشر کنند.

مسوول یکی از رسانه‌های محلی در هرات روز دوشنبه، ۲۴ دلو، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که حتا در نشر خبرهای ترافیکی با محدودیت و سانسور از سوی طالبان مواجه هستند.

وی می‌افزاید: «نمی‌توانیم بدون هماهنگی با طالبان در هرات فعالیت داشته باشیم و برنامه‌های

جسد قطعه‌قطعه شده یک مرد در بامیان یافت شد

۸صبح، بامیان: منابع محلی در ولایت بامیان می‌گویند که جسد قطعه‌قطعه شده یک مرد در مرکز این ولایت پیدا شده است.

منابع روز دوشنبه، ۲۴ دلو، می‌گویند که این جسد در ساحه «دهن ککرک» از مربوطات مرکز این ولایت پیدا شده است.

به گفته منابع، این جسد برای تحقیقات به شفاخانه ولایتی بامیان منتقل شده است.

یک منبع معتبر در شفاخانه ولایتی بامیان که می‌خواهد از او نام برده نشود، براساس بررسی‌های ابتدایی این شفاخانه به روزنامه ۸صبح می‌گوید که این جسد مربوط یک مرد است.

منبع می‌افزاید: «این جسد به‌گونه فجیعی توت‌توت شده که شماری از اعضای جسد وجود ندارد.»

مسوولان محلی طالبان در بامیان تا کنون در این باره چیزی نگفته‌اند.

قابل ذکر است که در این اواخر کشتار هدف‌مند نظامیان پیشین و منتقدان رژیم طالبان از سوی افراد این گروه در کشور افزایش یافته است.



افزایش مالیات بردگان داران در کنز؛

بازار ننگلام مسدود شد

۸صبح، کنز: منابع محلی در ولایت کنز می‌گویند که دکان‌داران بازار ننگلام ولسوالی مانوکی، دکان‌های خود را به دلیل افزایش مالیات توسط طالبان بسته‌اند.

یک منبع که نخواست نامش ذکر شود، روز دوشنبه، ۲۴ دلو، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که طالبان نسبت به گذشته مالیات را افزایش داده‌اند و به این دلیل دکان‌داران بازار ننگلام را به‌گونه مکمل بسته‌اند.

او افزوده است که طالبان برای این دکان‌ها مالیات سالانه ۴۰ تا ۵۰ هزار افغانی تعیین کرده‌اند و پس از این تصمیم تا کنون بازار مسدود است.

مسوولان محلی طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند.

گفتنی است که با روی‌کارآمدن طالبان در افغانستان، این گروه مالیات را بالای اصناف مختلف افزایش داده است.

گلوله‌باری تفنگ‌داران

ناشناس در خوست جان سه برادر را گرفت

۸صبح، خوست: منابع محلی در ولایت خوست از کشته شدن سه برادر در این ولایت خبر داده‌اند.

منابع از خوست می‌گویند که این سه برادر چاشت دوشنبه، ۲۴ دلو، در نزدیکی منزل‌شان در ولسوالی تنی این ولایت، مورد گلوله‌باری از سوی تفنگ‌داران ناشناس قرار گرفته و جان باخته‌اند.

منابع افزوده‌اند که حمله‌کننده‌گان پس از کشتن این سه برادر از ساحه فرار کرده‌اند.

هنوز علت و انگیزه این رویداد روشن نیست و طالبان نیز تاکنون در این مورد چیزی نگفته‌اند.

گفتنی است که در این اواخر رویدادهای جنایی در خوست افزایش یافته است.

در یک ماه اخیر پنج تن در رویدادهای مشابه کشته شده‌اند.

جابه‌جایی‌های گروهی؛

طالبان ۳۷۹ کارمند شرکت دولتی «نفت و گاز» را منفک کردند



امین کاوه

براساس اسنادی که در اختیار روزنامه ۸صبح قرار گرفته است، طالبان به‌تازگی ۳۷۹ کارمند شرکت دولتی «نفت و گاز افغانستان» را که زیر مدیریت این گروه فعالیت می‌کند، منفک و به جای آنان افراد وابسته به خود را استخدام کرده‌اند. کارمندان منفک‌شده ادعا می‌کنند که آنان بدون رعایت سلسله‌مراتب حقوقی و قانونی از کار برکنار شده‌اند و هیچ امتیاز مادی و معنوی برای‌شان در نظر گرفته نشده است.

افرادی که در دو دهه گذشته به‌عنوان کارمند در نهادهای دولتی استخدام شده‌اند، بزرگ‌ترین نیروی بشری و محرک بنیادی کار تخصصی و مسلکی را در نظام اداری کشور تشکیل می‌دهند. با تسلط طالبان بر افغانستان، این نیروی بزرگ انسانی به‌شکل گروهی و هدفمند حذف، منفک و به جای آنان جنگ‌جویان و افراد وابسته به طالبان، استخدام می‌شوند. این در حالی است که بهبود مدیریت منابع بشری، شهروندمحوری خدمات ملکی، مصونیت شغلی و استفاده از فناوری در روند استخدام از اساسی‌ترین وظایف نهادهای دولتی در امر استخدام و تقویت ظرفیت‌های مسلکی به حساب می‌رود. در تازه‌ترین مورد طالبان ۳۷۹ کارمند و کارگر شرکت دولتی «نفت و گاز افغانستان» را منفک کرده و هیچ امتیاز حقوقی و قانونی برای‌شان قایل نشده‌اند. کارمندان برکنار شده ادعا دارند که طالبان افراد وابسته و جنگ‌جویان خود را که فاقد ظرفیت مسلکی و تجربه کاری هستند، به جای آنان استخدام کرده‌اند.



براساس اسنادی که در اختیار روزنامه ۸صبح قرار گرفته است، طالبان به‌تازگی ۳۷۹ کارمند شرکت دولتی «نفت و گاز افغانستان» را که زیر مدیریت این گروه فعالیت می‌کند، منفک و به جای آنان افراد وابسته به خود را استخدام کرده‌اند. کارمندان منفک‌شده ادعا می‌کنند که آنان بدون رعایت سلسله‌مراتب حقوقی و قانونی از کار برکنار شده‌اند و هیچ امتیاز مادی و معنوی برای‌شان در نظر گرفته نشده است. کارمندان برکنار شده، طالبان را به تبعیض قومی متهم می‌سازند و توضیح می‌دهند که بیشتر افراد منفک‌شده «غیرپشتون» هستند.



اسناد موجود تأیید می‌کند که طالبان ۳۷۹ کارمند این شرکت دولتی را از کار سبک‌دوش کرده‌اند. اما در مکتوب رسمی این اداره از سبک‌دوشی این کارمندان سخن به میان نیامده و گفته شده که با این تعداد از کارمندان «قطع علاقه» صورت گرفته و بست‌های‌شان تنقیص شده است. در این مکتوب دیده می‌شود که «قطع علاقه» کارمندان بر بنیاد تنقیص بست‌های سال ۱۴۰۱ صورت گرفته است. در مکتوبی که به دسترس روزنامه ۸صبح قرار گرفته، آمده است که ریاست‌الوزرای طالبان در تشکیل ۱۴۰۱ این شرکت، یک هزار و ۲۹۴ بست را در مرکز و ولایات منظور کرده است. در بخشی از این مکتوب پیرامون تنقیص بست‌های «شرکت دولتی نفت و گاز افغانستان» چنین استدلال شده است: «تشکیل سال ۱۴۰۱ به کمیت ۱۲۹۴ بست کارمندان و اجیران منظور گردیده، نسبت به تشکیل سال ۱۳۹۹ به تعداد ۲۰۹ بست کم بوده که ۴۰۴ بست تنقیص و ۱۹۵ بست تزیید را نشان می‌دهد.» در این مکتوب گفته شده که وزارت مالیه طالبان بر بنیاد پیشنهاد این شرکت، بست‌های تنقیص‌شده را به رقابت آزاد سپرده است.

مکتوبی که در دسترس ۸صبح قرار گرفته، نشان‌دهنده مطالب متضاد نیز است. در قسمتی از این مکتوب در مورد تقاعد و امتیازات حقوقی کارمندان تنقیص‌شده گفته شده که آنان از حقوق تقاعد برخوردار هستند، اما پس از آن در پاراگراف دیگر آمده است که این نهاد پالیسی‌ای برای تعیین سرنوشت کارمندان تنقیص‌شده ندارد و تصمیمی در مورد سرنوشت آنان گرفته نشده است. در بخش دیگر این مکتوب آمده است: «به اساس فیصله جلسه شماره ۲ مورخ ۱۴۴۴/۶/۱۷ مطابق ۲۰ جدی ۱۴۰۱ کمیته اجرایی شرکت که ذریعه مکتوب شماره ۱۹۶۷ مورخ ۱۴۴۴/۶/۲۲ مدیریت اسناد و ارتباط امریت عمومی استخدام منابع بشری مواصلت نموده که در آن قطع علاقه با کارکنان که بست‌های‌شان تنقیص گردیده، تذکر رفته و در ضمن در فیصله هذا در مورد جذب و استخدام افراد واجد شرایط از طریق رقابت آزاد در بست‌های تزییدی امریت منابع بشری را مکلف نموده است.» در پاراگراف بعدی این مکتوب گفته شده است کارمندان که بست‌های‌شان تنقیص شده، می‌توانند مطابق قانون، تقاعدی‌شان را مطالبه و یا در پروسه رقابت آزاد بست‌های این اداره شرکت کنند و از طریق رقابت آزاد در بست‌های کمبود دوباره استخدام شوند. در پاراگراف دیگر این مکتوب، خلاف موارد یادشده، از بی‌سرنوشتی و روشن نبودن آینده کارکنان

تنقیص‌شده تذکر رفته است. در بخشی از مکتوب «شرکت دولتی نفت و گاز افغانستان» آمده است که در مورد سرنوشت کارمندان و کارکنان تنقیص‌شده چنین فیصله صورت گرفته است: «از این که شرکت دولتی نفت و گاز افغانستان تا الحال در موضوع فوق‌الذکر پالیسی مشخصی ندارد، پالیسی منابع بشری ترتیب و به جلسه هیات مدیره ارایه گردد، بعد از فیصله هیات محترم مدیره به اساس پالیسی مرتبه و یا طبق فیصله درباره سرنوشت کارمندان و کارکنان تنقیص‌شده تصمیم اتخاذ گردد.» با این حال، شماری از کارمندان منفک‌شده این نهاد در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که آنان بدون سرنوشت و رعایت سلسله‌مراتب قانونی برکنار و به جای آنان افراد وابسته به طالبان که هیچ نوع دانش مسلکی و تجربه کافی در این عرصه ندارند، استخدام شده‌اند. این کارمندان همچنان مدعی‌اند که مطابق قانون هرگاه بستنی تنقیص می‌شود یا یک رتبه پایین می‌آید، مامور موظف حق اولویت دارد تا در آن بست استخدام شود؛ اما طالبان کسانی را که بست‌های‌شان تنزیل یافته، به جای آنان کسان دیگری را استخدام کرده‌اند. جنیدالله محبی (نام مستعار) از کارمندان تنقیص‌شده «شرکت دولتی نفت و گاز افغانستان» است. او که به دلیل مشکلات امنیتی نمی‌خواهد هویتش فاش شود، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «کارمندان بدون امتیاز تقاعدی و یا کدام پکیج معاش امتیازی باشد به کارمندان، در نظر گرفته نشده است. ضمناً از یک طرف برخورد قومی صورت گرفته است. تقریباً در امریت مالی ۲۸ بست تنقیص کرده‌اند که همه مردم‌های تاجیک، هزاره، اوزبیک و اقوام غیرپشتون هستند. همه‌روزه در امریت‌های ریاست افراد و اشخاص خودشان می‌آیند؛ حتا سواد نوشتن یک مکتوب را ندارند و نمی‌توانند در یک موضوع تصمیم بگیرند. همه موضوعات از رییس عمومی شروع تا امرین و مدیریت‌های عمومی از افراد و اشخاص خودشان اطلالیان هستند.» این کارمند تنقیص‌شده شرکت دولتی نفت و گاز می‌افزاید: «وضعیت اداره بسیار نابه‌سامان است. تقریباً ۳۹۵ نفر منفک شده‌اند. برعلاوه کسانی که بست‌های‌شان تنقیص نشده، بست آنان را به اعلان گذاشته‌اند و کسانی که غیرپشتون هستند، سرش بهانه‌گیری می‌کنند. تماش و وردکی‌ها و قندهاری‌ها همه‌روزه مقرر شده می‌روند. حدود ۱۲۰ نفر زنان را از تشکیل بیرون کرده‌اند و بی‌سرنوشت هستند، بدون کدام امتیاز.» احمد مبشر (نام مستعار) کارمند دیگری است که

بستش تنزیل یافته و همزمان کسی دیگر به جایش مقرر شده است. او در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «همین مشکل پیش آمده، تشکیل به دل خود جور کردند، بست‌های مسلکی را به خاطر افرادی که نمی‌خواستند، تنقیص کردند. بست مرا تنزیل کردند، اما کسی دیگر را به جایم استخدام کردند. همین مشکلات است. از دست ما چیزی نمی‌آید. بست‌های تنزیلی را هم بدون رقابت نفر به جایش معرفی کردند. در حالی که مطابق قانون و اصول باید نفری که بستش تنزیل شده، متضرر است و حق قانونی‌اش هم می‌باشد، استخدام شود؛ اما این‌ها نفرهای خودشان را بدون رقابت استخدام کرده‌اند.» در همین حال یکی از کارمندان زن این اداره که از سوی طالبان از وظیفه برکنار شده است، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که طالبان همه این کارمندان را بدون رعایت اصول اداری و طی مراحل قانونی از وظیفه برکنار کرده‌اند. او می‌گوید: «حدود ۱۲۰ زن در مرکز و ولایات بود، همه را به شمول مردان رخصت کردند. مثل این که یک نفر از سرک روزمزد گرفته و رخصت کنند. در حالی که همه یک عمر تلاش و زحمت کشیدند، نیروی متخصص بودند و باید مطابق قانون همراه‌شان رفتار می‌شد. این‌ها اطلالیان نمی‌خواهند کسی به غیر از خودشان باشد، این جفای بزرگ در حق مردم است.»

۸صبح با چند تن از کارمندان دیگر این نهاد نیز صحبت کرده است که همه محتوای این مکتوب را تأیید می‌کنند و می‌گویند که بدون هیچ دلیلی و بدون رعایت طی مراحل قانونی برکنار و بی‌سرنوشت شده‌اند. همچنان همه این کارمندان تنقیص و تنزیل شده، ادعا دارند که طالبان افراد وابسته به خود را بدون رعایت اصل اخلاقی و مدیریتی به جای آنان به کار گماشته‌اند. این‌همه در حالی است که در نظام جمهوریت بر بنیاد قانون خدمات ملکی «ماموری که بست او لغو، تعدیل یا به اعلان سپرده می‌شود، در حالت انتظار با معاش قرار می‌گرفت. اداره می‌توانست مامور منتظر با معاش را طبق احکام ماده هفتاد و دوم قانون کار به وظایف دیگری توظیف نماید.» این کارمندان تنقیصی و تنزیل بست شده، ادعا دارند که طالبان نه تنها به جای آن‌ها افراد دیگری استخدام نشده، بلکه با حفظ حقوق و امتیازات قبلی در بست‌های تنزیل شده کار می‌کنند. به گفته آنان، رییس اداره مذکور صلاحیت تفویض امتیازات بست قبلی و تعیین بست افراد را ندارد و کسانی که به رغم تنزیل بست، از امتیازات قبلی برخوردار می‌شوند، به دلیل تعلقات قومی و ایدیولوژیک از این مزیت برخوردار شده‌اند. همچنان در صورت جلسه کمیته اجرایی «شرکت دولتی نفت و گاز افغانستان» نام‌های چهار تن از افراد منتسب به طالبان دیده می‌شود که به رغم تنزیل بست، از امتیازات قبلی‌شان برخوردارند. به گفته کارمندان تنقیص‌شده این نهاد، افراد طالبان که در بست‌های سوم این اداره کار می‌کنند، معاش بست دوم را که ۱۰۰ هزار افغانی پول نقد و حدود ۲۰۰ لیتر تیل، موتر، کارت تلفن و سایر امتیازات می‌شود، اخذ می‌کنند، در حالی که معاش بست سوم این اداره حدود ۵۵ هزار افغانی است. پیش از این طالبان گفته بودند، کارشویه‌ای را کابینه این گروه به تصویب رسانده است که براساس آن رییس‌الوزرای این گروه هر ماه ۲۰۰ هزار افغانی معاش و معاونان رییس‌الوزرا ۱۸۳ هزار افغانی، رییس دادگاه عالی ۱۶۷ هزار، وزیران، رییس عمومی استخبارات و دادستان کل هر کدام ۱۳۷ هزار، معاونان اداره امور ۷۶ هزار، معینان وزارت‌ها ۹۱ هزار، رییس عمومی تفتیش ۶۱ هزار، شهردار کابل ۱۰۶ هزار، شهردار ولایت‌ها ۴۵ هزار و رییس عمومی رادیو شریعت ۶۱ هزار افغانی ماهوار تنخواه دریافت می‌کنند؛ اما در این نهاد وضعیت به گونه دیگری است. طالبان پیش از این در شماری از اداره‌های دولتی در مرکز و ولایت‌ها، کارمندان حکومت پیشین به شمول رییسان و مدیران اداره‌های کلیدی را برکنار و افراد جدید وابسته به خود را به جای آن‌ها تعیین کرده‌اند. آنان پیش از لغو دبیرخانه‌های مجلس نماینده‌گان و مجلس سنا، ۴۶ کارمند تلویزیون ولسی جرگه را برکنار کرده بودند.

اولویت چین چیست؟

افزایش توان اقتصادی یا رقابت با امریکا؟

شجاع الدین امینی

نظم بین‌الملل در عصر حاضر تک‌قطبی است؛ به این دلیل تک‌قطبی است که امریکا در همه زمینه‌ها از توان برتر نسبت به سایر کشورها برخوردار است. ایالات متحده خالق این نظم است و زمام هدایت آن را در چنگ دارد. هیچ کشوری تا این دم نتوانسته که پایه‌پای امریکا در محیط بین‌المللی راه برود؛ اما برخی پژوهش‌گران و نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل عمر تک‌قطبی بودن نظم بین‌الملل را تقریباً پایان‌یافته می‌دانند و سر برآوردن قدرت‌های تازه‌ظهور را تأییدی بر این مدعا می‌آورند. چین یکی از این قدرت‌های نوظهور است که برخی پژوهش‌گران روابط بین‌الملل را وا داشته تا چشم‌اندازی تک‌قطبی بودن نظم بین‌الملل را تیره و تار ببینند. چیزی که سبب شده این پژوهش‌گران، نظم بین‌الملل را دو قطبی یا چندقطبی بخوانند، قدرت اقتصادی چین است. این‌ها، قدرت اقتصادی چین را قوی‌ترین حجت می‌دانند برای پایان‌دادن به تک‌قطبی بودن نظم بین‌الملل. باور این گروه این است که چین با تکیه بر توان اقتصادی خود می‌تواند در همه زمینه‌ها با امریکا رقابت کند و مانع گسترش نفوذ آن کشور در اقصا نقاط دنیا شود. به باور این گروه، زمانی که چین قادر باشد سر راه امریکا سد بر افرازد، دیگر نمی‌توان از تک‌قطبی بودن نظم بین‌الملل سخن زد. دلیل دیگری که این پژوهش‌گران را وا داشته تا چین را به‌مثابه رقیب قدرت‌مند امریکا ببینند، خروج امریکا از افغانستان و همچنان کم‌رغبتی آن کشور به ماندن در خاورمیانه است. به باور این گروه، امریکا از خاورمیانه و جنوب آسیا دارد بساط خود را بر می‌چیند و تنها قدرتی که می‌تواند جای خالی آن را پر کند، چین است.



من، با این پندار که تک‌قطبی بودن نظم بین‌الملل دارد پایان می‌یابد و چین به‌مثابه رقیب قدرت‌مند و شکست‌ناپذیر در برابر امریکا پا به میدان می‌گذارد مخالفم. باور من این است که نه تک‌قطبی بودن نظم بین‌الملل به این زودی‌ها پایان می‌یابد، نه چین قادر به رقابت با امریکا در همه زمینه‌ها است و نه هم چین می‌تواند جای خالی امریکا را پر کند. بهتر است بگویم که امریکا جایی را تا هنوز خالی نکرده است که چین بخواهد آن را پر کند. در دفاع از این مدعا به نکات ذیل می‌پردازم:

۱- چین همیشه به دنبال افزایش توان اقتصادی‌اش بوده است تا جنگ و نظامی‌گری. افزایش توان اقتصادی برای چین همیشه در اولویت بوده است. چین برای آن که اقتصاد خود را شکوفا سازد، حتا هر از گاهی در برابر بحران تایوان هم مهر سکوت بر لب زده است. چین برای آن که به توان اقتصادی خود بیفزاید، حتا به تجدید نظر در اصول «کمونیسم مائویی» تن داده است. چین برای آن که تبدیل به اژدهای اقتصادی شود، حتا به دامن غرب -که روزگاری آن را امپریالیسم خطاب می‌کرد- پناه برده است. مائوتسه دونگ، رهبر و بنیان‌گذار چین کمونیستی که انقلابی‌ترین مرد روزگار

چین همیشه به دنبال افزایش توان اقتصادی‌اش بوده است تا جنگ و نظامی‌گری. افزایش توان اقتصادی برای چین همیشه در اولویت بوده است. چین برای آن‌که اقتصاد خود را شکوفا سازد، حتا هر از گاهی در برابر بحران تایوان هم مهر سکوت بر لب زده است. چین برای آن‌که به توان اقتصادی خود بیفزاید، حتا به تجدید نظر در اصول «کمونیسم مائویی» تن داده است.

خود بود و ایستاده‌گی علیه امپریالیسم غربی را بر خود لازم می‌دید، در نهایت در اواخر دهه ۱۹۷۰م تن به مذاکره با امریکا داد و راه ورود به بازار اقتصاد غرب را به روی چین گشود. پس از مانو، دنگ‌شیاوپینگ^۲ و جیانگ زمین^۳ که زمام امور را در دست گرفتند، توسعه اقتصادی و مراوده با غرب، به‌ویژه امریکا، دغدغه اصلی‌شان را می‌ساخت. این‌روزها شی‌جین‌پینگ نیز مسیر اسلاف خود را می‌پیماید. چینی‌ها، جنگ و نظامی‌گری را مهم‌ترین مانع توسعه اقتصادی می‌دانند؛ از این‌رو، نسبت به اقتصاد کم‌تر بدان التفات به خرج می‌دهند. پیدا است زمانی که توازن میان قدرت اقتصادی و قدرت نظامی در یک کشور برقرار نباشد، نتیجه آن افت اقتصادی است نه شکوفایی. برای چینی‌ها اگر نظامی‌گری اهمیت می‌داشت و در اولویت می‌بود، می‌بایستی بی‌کم‌وکاست به اصول «کمونیسم مائویی» پایند می‌ماندند و به‌روی کاپیتالیسم غربی آغوش نمی‌گشودند، اما دیدیم که چنین نکردند. با توجه به این پیش‌گفته، می‌توان گفت که چین به دنبال افزایش توان اقتصادی خود است نه رقابت با امریکا یا مهار آن. البته ممکن است تلاش برای افزایش توان اقتصادی از سوی چین پیامد ناخواسته‌اش رقابت با امریکا، تنها در زمینه اقتصادی باشد نه در همه زمینه‌ها.

۲- پس از آغاز نبرد اوکراین، گمانه‌زنی‌ها بیشتر این بود که چین در حمایت از روسیه در مصاف غرب قرار می‌گیرد، اما این اتفاق نیفتاد؛ چون برای چین تجارت پرسود اهمیت دارد نه وارد شدن در جنگ ، آن‌هم به سود و زیان کشوری دیگر. چین در نبرد اوکراین مهر سکوت بر لب زد و گامی برنداشت تا مبادا حمایت از روسیه تلقی شود. حالا اگر چین بخواهد نظم بین‌الملل تک‌قطبی را بشکند و قطب قدرت‌مندی را علیه امریکا شکل دهد، بایستی در نبرد اوکراین از روسیه در برابر امریکا و متحدان آن حمایت کند که چنین نمی‌کند. روسیه رقیب سرسخت امریکا و متحدان آن به شمار می‌رود. اتفاقاً رقیب سخت‌جانی هم هست که از میدان به در کردن آن به این زودی‌ها ممکن نیست؛ اما چین در صف این رقیب امریکا علیه امریکا نایستاد. نتیجه این می‌شود که چین شیفته شگوفایی اقتصادی است و وارد شدن به جنگ، حتا در کنار رقیب امریکا را به زیان خود می‌داند.

۳- طی یک سال اخیر، بحران تایوان داغ بود و سفر نانسی پلوسی، رییس مجلس نمایندگان امریکا، به تایوان در ماه اسد سال جاری این بحران را داغ‌تر ساخت. اگر دقت شود، چین با احتیاط پا پیش می‌گذاشت تا اینکه وارد جنگ با تایوان نشود. در حالی که امریکا می‌خواهد چین را وارد جنگ در تایوان بسازد؛ اما چین تا این دم هوشیاری به خرج داده و گرفتار این تله نشده است؛ چون بیشترین مبادلات تجاری را با

دنایای غرب دارد و اگر وارد جنگ با تایوان شود، این جنگ پای غرب را نیز در میان خواهد کشید و این کار به ضرر اقتصاد چین تمام خواهد شد. می‌توان گفت، عاملی که چین را از وارد شدن به جنگ با تایوان باز می‌دارد، هراس از توقف کاروان توسعه اقتصادی در چین است.

۴- افغانستان می‌تواند نمونه دیگری باشد از تلاش چین برای افزایش توان اقتصادی. پس از خروج امریکا از افغانستان، حدس‌ها اغلب این بود که چین جای خالی امریکا در افغانستان را پر خواهد کرد، اما دیده شد که چنین نشد. چین در افغانستان فقط به دنبال تأمین سود اقتصادی و شکار منابع طبیعی است؛ از جمله: غارت معادن نفتی، مس، طلا، لاجورد و نقره. مبارزه با تروریسم، حکومت‌داری خوب، حمایت از صحت و آموزش و حقوق بشر و ... برای چین اهمیت ندارد. چین فقط به دنبال شکار منابع طبیعی است تا از این طریق سود بیشتر را کمایی کند. نمونه آن می‌تواند امضای پیمان استخراج نفت حوزه آمودریا در شمال افغانستان باشد که در ماه جدی سال جاری میان مقامات چین و گروه طالبان به امضا رسید. این درحالی است که چین، طالبان را پس از برگشت به قدرت کم‌ترین حمایت مالی هم نکرده است. انتظار چین از طالبان فقط در دو نکته خلاصه می‌شود: استخراج معادن و مهار اویغورها.

۵- سفر شی‌جین‌پینگ، رییس‌جمهور چین، به عربستان سعودی هم فقط مایه و هدف اقتصادی داشت تا سیاسی. این سفر را نمی‌توان تعبیر به این امر کرد که چین قرار است جایگزین امریکا در خاورمیانه شود. چین می‌داند که پر کردن جای خالی امریکا امر ساده‌ای نیست و هزینه زیادی بر می‌دارد. چین تا این دم حاضر نیست متکفل پرداخت این هزینه باشد. چین دوست ندارد فعالیت بیرون‌مرزی به پیمان‌های که ایالات متحده امریکا دارد، داشته باشد؛ چون فعالیت بیرون‌مرزی هزینه‌بردار است. چیزی که در سفر مقامات چینی به عربستان، جالب توجه بود، این بود که چین اعتماد ایران را نسبت به خود در بدل کسب اعتماد عربستان سلب کرد. مقامات چین از استقبال کم‌نظیر مقامات عربستانی در شگفت شدند و در هم‌سویی با آن‌ها، اعلامیه‌ای نشر کردند که مخالف منافع ایران بود. حالا، اگر چین بخواهد قطب قدرت‌مندی را علیه امریکا شکل دهد، اقتضا می‌کند رقیبان امریکا را کنار خود گرد آورد، نه این‌که آن‌ها را از خود براند. چین تا این دم نه‌تنها رقیبان امریکا را حول محور واحد علیه امریکا متحد نکرده، بلکه نسبت به آن‌ها بی‌مهری نیز نشان داده است، از جمله به روسیه و ایران.

۶- چین دادوستد تجاری با دو گروه از کشورها را پراهمیت می‌داند: ۱- اقتدارگرا؛ ۲- ضعیف. با کشورهای اقتدارگرا از آن‌رو، وارد دادوستد اقتصادی می‌شود که خود نیز اقتدارگرا است. در میان دولت‌های اقتدارگرا هم دنبال دولت‌هایی می‌گردد که بسته‌ترین سیستم سیاسی را داشته باشد. یعنی از ثبات ظاهری برخوردار باشد و به اعتراض میدان ندهد و در اثر اعتراض هم فرو نباشد. این درحالی است که شگوفایی اقتصاد چین از دهه ۱۹۸۰ تا این دم، محصول مراوده تجاری با دولت‌های دموکراتیک غربی، خاصه امریکا بوده است. همچنان دولت‌های ضعیف در زمینه تجارت پرسود برای چین هدف بزرگ تلقی می‌شود. در این زمینه، داد چین بسی اندک است و گرفت آن بسی پرشمار. افغانستان و کشورهای آفریقایی می‌تواند نمونه‌ای از دولت‌های ضعیفی باشد که چین داشتن مراوده تجاری با آنان را برای خود پراهمیت می‌خواند. در حال حاضر، بسیاری از دولت‌های دنیا به دنبال آن

هستند تا حکومت فراگیری در افغانستان تشکیل شود و بر بحران حاضر نقطه پایان گذاشته شود؛ اما چین زیرکانه و خاموشانه به دنبال بلعیدن منابع طبیعی افغانستان است و به دغدغه مشترک سایر کشورها در قبال افغانستان اهمیت نمی‌دهد.

۷- امریکا که در عصر حاضر قدرت برتر دنیا به شمار می‌رود، در همه زمینه‌ها نسبت به سایر کشورها برتری دارد. همچنان ابزارهایی برای دخالت در امور سایر کشورها نیز در دست دارد که توسل به آن ابزارها دخالت امریکا را توجیه‌پذیر می‌سازد. دموکراسی، حقوق بشر، حقوق زن و ... دم دست‌ترین ابزارهایی است که امریکا برای دخالت در امور سایر کشورها در دست دارد. امریکا با توسل به این ابزارها با کشورها وارد تعامل می‌شود یا هم بر آن‌ها هجوم می‌برد. مزید بر آن، متحدان قدرت‌مندی در دنیا دارد که هر کدام به تنهایی می‌توانند با چین رقابت کنند از جمله: اتحادیه اروپا، جاپان، کوریای جنوبی، تایوان، ترکیه، اسرائیل، اعراب و ... امریکا و متحدان آن قادرند تا دولت‌ها را یک‌شبه ساقط و از نو دولت دیگری با هزینه سنگین بسازند. امریکا و متحدان آن خطرپذیرند و می‌توانند این مأموریت‌های خطرخیز را عهده‌دار باشند. حالا اگر چین بخواهد پا جای پای امریکا بگذارد و رقیب قدرت‌مند آن به شمار رود و یا هم بخواهد جای خالی آن را پر کند، هیچ‌یک از ابزارهایی که امریکا در اختیار دارد، چین ندارد. من نمی‌توانم بفهمم که چین با تکیه بر کدام ابزار می‌تواند سایر کشورها را به سوی خود فراخوانده آن‌ها را تابع خود و رقیب امریکا سازد. بهتر است بگویم چین متاع جذاب و پرفروشی برای عرضه به بازار سیاست به بیرون از مرزهایش را ندارد. چین در بعد سیاسی اصلاحاتی را که غرب انتظار داشت، عملی نکرد. کشورهای غربی در آغاز خوش‌بین بودند که گشوده‌گی در حوزه اقتصاد در چین شاید بتواند در حوزه سیاست هم تسری پیدا کند که چنین نشد. یعنی چینی‌ها به همان سیستم سیاسی بسته و اقتدارگرای تک‌حزبی وفادار ماندند که خلاف مرام غربی‌ها بود و است. سیستم سیاسی بسته تک‌حزبی از گذشته تا این دم در چین برقرار است که فقط برای چینی‌ها جذابیت دارد نه بیرون از چین. آیا ممکن است چین با سیستم سیاسی بسته تک‌حزبی مبتنی بر کمونیسم تنها قدرت برتر دنیا یا یکی از قدرت‌های برتر دنیا شود؟ به باور من، پاسخ خیر است. قدرت برتر دنیا شدن یا هم پا جای پای امریکا گذاشتن و آن را به انزوا کشاندن، الزامات و اقتضائاتی دارد که چین حاضر نیست بدان تن در دهد؛ چون هزینه‌بردار است و چین از پرداخت هزینه در هراس است و اقتصاد خود را پاسخ‌گوی آن نمی‌داند.

نتیجه‌گیری

گفته آمدیم که چین نمی‌تواند نظم تک‌قطبی در روابط بین‌الملل را به این زودی‌ها بشکند. همچنان نمی‌تواند مانع گسترش نفوذ امریکا در اقصا نقاط دنیا شود و در همه زمینه‌ها با آن رقابت کند. گفته شد که چین فقط به دنبال افزایش توان اقتصادی است که پیامد ناخواسته آن ممکن است رقابت با امریکا آن‌هم در حوزه اقتصاد باشد نه در همه حوزه‌ها. چین به سیاست از عینک اقتصاد نگاه می‌افکند. می‌توان گفت که چین به سیاست نگاه تاجرمانانه دارد. هر جا سود اقتصادی باشد، نقش پای چین آن‌جا دیده خواهد شد. همچنان گفته آمدیم که قدرت برتر دنیا شدن الزامات و اقتضائاتی دارد که چین حاضر به تن‌دهی بدان‌ها نیست. برای چین همیشه تجارت پرمفعت در اولویت بوده است تا وارد شدن در جنگ له و علیه کشور دیگری. روی بر تافتن از روسیه و ایران در بحران‌های اخیر می‌تواند دال قوی باشد مبنی بر شیفته‌گی چین به شگوفایی اقتصادی و افزایش توان در این زمینه.

۱. کسی بود که در سال ۱۹۴۹ ملی‌گراها در چین را شکست داد و جمهوری خلق چین را بنیاد گذاشت.

۲. پس از مرگ مائو زمام امور را از سال ۱۹۷۶ تا اواخر دهه ۸۰ در دست داشت. او طراح «سیاست درهای باز» (نوعی گرایش به کاپیتالیسم) در چین بود.

۳. در دهه ۱۹۹۰ زمام امور را در اختیار داشت. در دوره او چین توانست خیزش عظیم اقتصادی را تجربه کند.

روز جهانی رادیو و صدای خاموش زنان در رسانه‌های شنیداری افغانستان

۸ صبح، کابل

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) ۱۳ فبروری را به «روز جهانی رادیو» اختصاص داده است. از این روز در حالی در نقاط مختلف جهان بزرگداشت می‌شود که افغانستان در دو سال گذشته گواه کاهش چشم‌گیر فعالیت کانال‌های رادیویی بوده است. شماری از شهروندان کشور و خبرنگاران محلی در ولایت‌های کشور می‌گویند که بیشتر رسانه‌هایی که قبلاً برای زنان نشرات داشتند، اکنون از فعالیت باز مانده‌اند. به گفته آنان، بیشتر این رادیوها به دلیل محدودیت‌های سخت‌گیرانه طالبان و مشکلات اقتصادی مجبور شده‌اند فعالیت‌های خود را توقف بدهند. آمارهای نهادهای حامی خبرنگاران و رسانه‌ها نیز نشان می‌دهد که با روی کار آمدن رژیم طالبان در کشور، ده‌ها رادیوی محلی به دلیل نبود منابع مالی، از فعالیت باز مانده‌اند. در کنار این، نهادهای حامی رسانه‌ها همچنان از کاهش چشم‌گیر حضور زنان در رسانه‌های شنیداری خبر می‌دهند.



**در ولایت غزنی
دست‌کم ۲۱ خبرنگار
زن در رادیوها فعالیت
داشتند. اما آمار امروزی
این رادیوها نشان
می‌دهد که اکنون هیچ
زنی در این رادیوها
مصرف کار نیست.**

دریافت کرده بود. یکی از خبرنگاران محلی آن رادیو به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که نشرات آن رادیو در حال حاضر به گونه کلی متوقف است.



جریان یکی از برنامه‌های رادیویی در رادیو میرمن در قندهار - عکس: صدای آمریکا

تعداد کارمندان فعلی		تعداد کارمندان سابق	
مرد	زن	مرد	زن
15	6	10	0
10	4	15	0
10	0	8	0
8	7	16	0
7	4	12	0
0	0	15	0
63	21	76	0

آمار کارمندان زن و مرد رسانه‌های ولایت غزنی در گذشته و اکنون

لیست رسانه‌های ولایت غزنی

ردیف	نام رسانه	ولایت	فرکانس	تعداد کارمندان فعلی	تعداد کارمندان سابق	نوع فعالیت
۱	رادیو آواز غزنی	غزنی	۹۲.۵	۱۵	۱۰	مرد
۲	رادیو آواز خوست	خوست	۹۹.۵	۱۰	۴	مرد
۳	رادیو آواز غزنی	غزنی	۹۹.۵	۱۰	۰	مرد
۴	رادیو آواز غزنی	غزنی	۹۹.۵	۰	۷	مرد
۵	رادیو آواز غزنی	غزنی	۹۹.۵	۰	۴	مرد
۶	رادیو آواز غزنی	غزنی	۹۹.۵	۰	۱۵	مرد
مجموع				۶۳	۳۶	

بر اساس این آمار که پیش از سقوط کشور تهیه شده است، در ولایت غزنی دست‌کم ۲۱ خبرنگار زن در رادیوها فعالیت داشتند. اما آمار امروزی این رادیوها نشان می‌دهد که اکنون هیچ زنی در این رادیوها مصرف کار نیست.

منابع معتبر رسانه‌ای که نمی‌خواهند نام‌شان در این گزارش درج شود، با ارسال این آمار تأیید می‌کنند که اکنون هیچ زنی در رادیوهای محلی غزنی فعالیت ندارد؛ در حالی که تا پیش از سقوط نظام جمهوری دست‌کم ۲۱ زن در این ولایت مصرف کار در رسانه‌های شنیداری بودند. به گفته منابع، در این رادیوها در گذشته برنامه‌های مختلف نشر می‌شد، اما در حال حاضر بیشتر برنامه‌های این رادیوها را پرسش و پاسخ‌های دینی شکل می‌دهد.

در کنار غزنی، شمار زیادی از رادیوها با حضور زنان در ولایت بامیان نیز فعالیت داشتند. یکی از این رادیوها به نام رادیو «بامیان» بود. در این رادیو در گذشته چندین خبرنگار زن کار می‌کردند و برنامه‌های خبری و تفریحی را پیش می‌بردند، اما اکنون وضعیت تغییر کرده است. یکی از باشندگان بامیان که در گذشته شنونده شبکه‌های رادیویی بوده، به روزنامه ۸ صبح

در کنار رادیو میرمن در قندهار، رادیو رابعه بلخی رسانه شنیداری دیگری در بلخ بود. آن رادیو نیز نزدیک به یک‌ونیم دهه فعالیت داشت و از مشهورترین رادیوهای محلی در بلخ شمرده می‌شد. بیشتر کارمندان زن در آن رادیو فعالیت داشتند. ساختمان آن رادیو اما حدود یک سال پیش بعد از روی کار آمدن رژیم طالبان، دچار آتش‌سوزی شد و نتوانست به فعالیتش ادامه دهد. براساس اظهارات مسوولان رادیو رابعه بلخی، همه وسایل آن رسانه در پی آتش‌سوزی از بین رفت و دیگر قابل استفاده نبود.

با این حال، نهادهای حامی رسانه‌ها و خبرنگاران با نشر اعلامیه‌های جداگانه به مناسبت روز «جهانی رادیو» می‌گویند که فعالیت ده‌ها رسانه شنیداری در افغانستان متوقف شده است. اتحادیه ژورنالیستان آزاد افغانستان با نشر اعلامیه‌ای گفته است که تا پیش از سقوط نظام جمهوری حدود ۳۴۵ رادیو با چهار هزار و ۸۷۷ کارمند در سرتاسر کشور فعالیت داشتند. در این میان یک هزار و ۲۳۸ کارمند این رادیوها را زنان شکل می‌دادند. پس از به قدرت رسیدن طالبان اما فعالیت ۱۱۷ رادیو متوقف شده و یک هزار و ۹۰۰ کارمند این رسانه‌های شنیداری که بیش از یک هزار تن آنان را زنان شکل می‌دادند، وظایف‌شان را از دست داده‌اند.

در اعلامیه اتحادیه ژورنالیستان آزاد افغانستان همچنان آمده است که در حال حاضر در ۲۲۳ رادیوی فعال در کشور تنها ۱۶۳ زن مشغول کارند. وزارت اطلاعات و فرهنگ زیر اداره طالبان نیز تأیید کرده است که در حال حاضر بیش از ۲۰۰ رادیو در افغانستان فعالیت دارند. طالبان اما درباره کارمندان این رادیوها به تفکیک زنان و مردان، چیزی نگفته‌اند.

این‌همه در حالی است که فعالیت رادیو در افغانستان در نزدیک به ۱۰۰ سال گذشته با فرود و فرازهایی همراه بوده است. «رادیو کابل» به‌عنوان نخستین رسانه شنیداری در افغانستان شناخته می‌شود که در سال ۱۳۰۵ خورشیدی در زمان حکومت شاه امان‌الله خان، فعالیتش را آغاز کرد. دیری نگذشته بود که فعالیت این رادیو به دلیل جنگ‌های داخلی متوقف شد. رادیو افغانستان در سال ۱۳۲۰ خورشیدی پس از یک وقفه سیزده‌ساله دوباره به فعالیت آغاز کرد و تا دوره اول حاکمیت طالبان بر کشور زیر این نام فعالیت می‌کرد. در نخست این رادیو تنها در کابل نشرات داشت، اما بعدها نشراتش سرتاسری شد و در سال ۱۳۴۲ به «رادیو افغانستان» تغییر نام یافت.

طالبان اما در سال ۱۳۷۵ خورشیدی نام این رادیو را به «صدای شریعت» تبدیل کردند و برنامه‌های آن را تغییر دادند. در جریان حاکمیت دور نخست طالبان بر کشور تنها برنامه‌های دینی و خطبه‌های نماز جمعه از طریق این رادیو به نشر می‌رسید. با سقوط رژیم طالبان در سال ۱۳۸۰ خورشیدی، فعالیت رادیو افغانستان با نشر برنامه‌های خبری، تفریحی و فرهنگی از سر گرفته شد. این رادیو تا پیش از روی کار آمدن رژیم طالبان هم‌روزه به هفت زبان، ۱۸ ساعت نشرات داشت.

او توضیح می‌دهد که زمانی در آن رادیو ۱۵ زن مشغول کار بودند، اما پس از سقوط نظام جمهوری نه‌تنها زنان از آن حذف شدند، بلکه نشراتش نیز به‌گونه کلی متوقف شده است. به گفته او، مشکلات اقتصادی و محدودیت‌های سخت‌گیرانه طالبان سبب شد تا آن رادیو نتواند به فعالیت‌هایش ادامه دهد.



جریان کار زنان خبرنگار در رادیو رابعه بلخی در بلخ - عکس: شبکه‌های اجتماعی

برف‌باری‌های سنگین؛

مسیرهای ۱۰ ولسوالی بدخشان مسدود است

برف‌باری‌های سنگین و سرازیر شدن برف‌کوچ‌ها در چهار روز گذشته جان سه باشندگان ولسوالی راغستان ولایت بدخشان را گرفته است. باشندگان محل می‌گویند که نبود تجهیزات مدرن، مدیریت ضعیف و فساد در کار شرکت قراردادی که مسوولیت پاک‌کاری راه‌ها را بر دوش دارد، سبب شده که این راه‌ها به روی مردم بسته بماند.

۸ صبح، بدخشان

برف‌باری سنگین و سرمای شدید بیشتر شهروندان کشور را در زمستان امسال زمین‌گیر کرده است. سرمای کم‌سابقه در بسیاری از ولایت‌های سردسیر افغانستان جان ده‌ها تن را گرفته و هزاران رأس مواشی را نیز تلف کرده است. در کنار این، مسیرهای رفت‌وآمد مناطق کوهستانی و دشوارگذر نیز به روی ترافیک مسدود شده است. بدخشان، تخار و بغلان در حوزه شمال‌شرقی از ولایت‌های



سردسیر کشورند که در زمستان امسال آسیب

بیشتری دیده‌اند. راه‌های دست‌کم ۱۰ ولسوالی ولایت بدخشان با شهر فیض‌آباد، مرکز این ولایت، در پی بارش برف سنگین مسدود شده و باشندگان این ولسوالی‌ها را با مشکلات جدی روبه‌رو ساخته است. باشندگان بدخشان شرکت پیمان‌کار در قسمت پاک‌کاری شاهراه عمومی بدخشان را به کم‌کاری متهم می‌کنند و خواهان بازگشایی مسیرهای رفت‌وآمد هستند.

فاضل، یکی از باشندگان ولسوالی نسی بدخشان، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که بارش

سنگین برف از چهار روز به این سو راه‌های این ولسوالی با مرکز و ولسوالی‌های همجوار را مسدود کرده است. او می‌افزاید: «امروز چهار روز می‌شود که راه‌ها بسته است. روز شنبه تا شهر کلان رفتیم، از دست برف و توفان راه بسته شد و پیش‌رفته نتوانستیم. برف‌کوچ زیاد است و از عقل بیرون. ما با سواری‌ها هفت موتر جیب بودیم، دوباره برگشت کردیم، امیدیم به شهر فیض‌آباد.»

ادامه در صفحه ۶

رقابت و اختلاف با چین، هند را به دامن امریکا پرتاب خواهد کرد؟

برف باری... از صفحه ۵

برفباری‌های سنگین و سرازیر شدن برف کوچک‌ها در چهار روز گذشته جان سه باشنده ولسوالی راغستان ولایت بدخشان را گرفته است. باشنده‌گان محل می‌گویند که نبود تجهیزات مدرن، مدیریت ضعیف و فساد در کار شرکت قراردادی که مسوولیت پاک‌کاری راه‌ها را بر دوش دارد، سبب شده که این راه‌ها به روی مردم بسته بماند.

نعیم (نام مستعار) باشنده ولسوالی شکی بدخشان، می‌گوید که شماری از مسافرانی که شامل زنان، کودکان و بیماران هستند، از سمت راغستان به طرف فیض‌آباد در حرکت بودند، اما در برف کوچک و سردی هوا در مسیر راه گیر مانده‌اند و نگران وقوع فاجعه هستند. به گفته آنان، شرکت قراردادی که مسوولیت پاک‌کاری شاهراه یفتل - بدخشان را برعهده دارد، در قسمت پاک‌کاری شاهراه کم‌کاری می‌کند. باشنده‌گان ولسوالی یفتل از طالبان و نیروهای امداد رسانی می‌خواهند که فعالیت گروه امداد رسانی را بیشتر بسازند و جلو فساد و بی‌توجهی شرکت‌های قراردادی را بگیرند.

ولی‌الله، باشنده ولسوالی راغ، می‌گوید: «از دیروز تا به حال در اثر برفباری‌های سنگین تمام راه‌های رفت‌وآمد به روی ما بسته شده است. خودم که طفلم بسیار مریض است، به سینه‌وبغل گرفتار بود، ناگزیر حرکت کردیم به قصد رفتن شفاخانه شهر. در نیمه راه آمدیم، موتر ما به شمول ده‌ها موتر دیگر در مسیر راه بند ماند. هیچ چاره نداشتیم، دوباره برگشتیم به خانه. فعلاً وضعیت طفلم بسیار خراب است.» این باشنده ولسوالی راغ می‌افزاید: «اگر راه باز نشود و به اطفال ما و به خود ما دوا نرسد، اطفال ما را از دست می‌دهیم.»

در کنار این، سردی هوا بیشتر باشنده‌گان بدخشان به‌ویژه کودکان را دچار بیماری‌های فصلی ساخته و روانه شفاخانه کرده است. به گفته منابع در ریاست صحت عامه بدخشان، ۵۰ درصد بیمارانی که روزانه به این مرکز درمانی مراجعه می‌کنند، کودکانی‌اند که دچار بیماری‌های تنفسی شده‌اند.

منابع محلی توضیح می‌دهند که در حال حاضر مسیر ولسوالی‌های شکی، نسبی، واخان، خواهان، شغنان، اشکاشم، ارغنج‌خواه، راغستان و منطقه شیوه بدخشان به روی رفت‌وآمد مسدود است. حدود دو هفته پیش برف کوچک در ولسوالی شکی این ولایت جان یک تن را گرفت و راه‌های این ولسوالی را مسدود کرد. علاوه بر آن، در جریان ماه جاری شبکه‌های آبرسانی در بدخشان و ولایت‌های بغلان و تخار از فعالیت باز مانده و شماری از آب‌گیرهای طبیعی و دریاها که به‌عنوان منابع آبی استفاده می‌شوند، یخ بسته‌اند و آب آن‌ها قابل استفاده نیست.

کبیر (نام مستعار) یکی از راننده‌گان مسیر راغستان - فیض‌آباد، خاطرنشان می‌سازد که هنوز هم برفباری‌ها در راغستان و دروازه‌ها جریان دارد و کار بازگشایی سرک‌ها به کندی پیش می‌رود. او می‌گوید: «سه روز می‌شود که راه‌ها بند است. سواری‌ها و موترها فعلاً در مسیر راغستان بند مانده‌اند. سواری‌ها فقط خودشان را زنده کشیده‌اند. موترها همان‌جا در مسیر راه راغستان گیر مانده‌اند. موترهایی که از یوان آمده بودند، تا منطقه سغه خود را رسانده و از سغه بیرون نشده‌اند، در حالی که مریض هم داشته‌اند.»

باشنده‌گان ولسوالی‌های بدخشان از اداره محلی طالبان و گروه‌های مدرسان می‌خواهند که تلاش‌ها برای بازگشایی راه‌ها را افزایش دهند. از سویی هم، معزالدین احمدی، رییس اطلاعات و فرهنگ طالبان در بدخشان، از جان باختن سه تن در پی سرازیر شدن برف کوچک در این ولایت خبر داده و گفته است که سه تن دیگر در این رویداد طبیعی زخمی شده‌اند.

منابع خاطرنشان می‌سازند که سردی بیش از هوا و بیماری‌های فصلی در یک ماه گذشته جان دست‌کم ۴۰ تن را در بدخشان گرفته است. همچنان ۳۴ تن دیگر در ولایت بغلان به علت سردی هوا جان باخته و کم‌وبیش ۳۰ خانه رهاپشی در تخار تخریب شده‌اند. بدخشان، یکی از ولایت‌های کوهستانی، هم‌ساله گواه چنین رویدادهای طبیعی است.



درگیری‌ها بین هند و چین در زمانی افزایش پیدا کرده است که جهان در حال قطب‌بندی‌های ژئوپلیتیکی جدید است. ایالات متحده در راس این هرم قرار دارد و تلاش می‌کند که قدرت‌های منطقه را برای مهار روزافزون قدرت چین دور یک محور جمع کند تا بتواند از گسترش نفوذ این رقیبش در جهان و مبدل شدن این کشور به یک قدرت تاثیرگذار در معادلات جهانی جلوگیری کند.

زاهد آریا

هر چهار عضو معتقدند که ظهور چین و دست‌یابی به ابتکار کمربند و جاده (BRI) تهدیدی برای آن‌ها و منطقه است. سوم، استرالیا و ایالات متحده نگران این هستند که چین به دنبال ایجاد پایگاه نظامی در اقیانوس آرام است. از این رو، این کشورها در تلاش‌اند تا یک الگوی بدیل برای وام‌هایی که بیجینگ به پروژه‌های زیربنایی کشورهای کوچک در اقیانوس آرام و اقیانوس هند ارائه می‌دهد، پیدا کنند و ابتکار عمل را از طرح یک کمربند یک جاده چین در این منطقه بگیرند.

از آنجایی که هند با چین کش‌مکش‌های مرزی دارد و همچنان در حال رقابت ژئوپلیتیکی در منطقه جنوب آسیا است، علاقه دارد تا در این پیمان بیشتر سرمایه‌گذاری کند. با حضور در این پیمان، امیدوار است که بتواند کمک‌هایی را در حوزه دفاعی و تکنولوژیکی از این کشورها به دست بیاورد و به این ترتیب بتواند با قدرت روزافزون چین در منطقه جنوب آسیا و اقیانوس هند که هند آن را حیاط خلوت خود می‌داند، مقابله کند. چین در حال حاضر با واگذاری وام‌های بسیار هنگفت و ایجاد دهلیزهای اقتصادی با پاکستان، نیپال، بنگلهدیش و سریلانکا، نفوذ قابل ملاحظه‌ای در منطقه دارد. هند نگران گسترش این نفوذ در حیاط خلوت خود است. اگر این روند به همین ترتیب به پیش برود، منجر به وابستگی بیشتر منطقه به چین می‌شود. در این صورت کابوس محاصره سیاسی هند توسط چین محقق خواهد شد. این سناریو برای هند یک کابوس وحشتناک است که می‌تواند رویای مبدل شدن هند به‌عنوان قدرت اصلی در جنوب آسیا را نابود کند.

یکی از اهداف بزرگ هند در سیاست خارجی این کشور، مبدل شدن به‌عنوان یگانه قدرت جنوب آسیا است تا قدرت‌های بزرگ هر نوع حرکت در این حوزه را با مشارکت دهلی ببینند. پس به همین دلیل، هند می‌خواهد با قدرت‌های دیگر که چین را رقیب خود می‌دانند، تعامل کند تا بتواند با این چالش مقابله نماید. اما عمده‌ترین چالشی که سد راه هند برای متعهد ماندن به پیمان‌های ضد چینی در محوریت امریکا است، تفاوت دیدگاه بین دهلی و واشنگتن است که مانعی برای ماندن معنادار هند در هر نوع پیمان ضد چینی دانسته می‌شود. به‌طور مثال، هند و ایالات متحده برداشت متفاوتی از اقیانوس هند و اقیانوس آرام دارند. برداشت هند از این دو اقیانوس، بیشتر متمرکز بر اقیانوس هند و کمتر بر اقیانوس آرام است. جایی که نگرانی بیشتر استرالیا، ایالات متحده و جاپان را برمی‌انگیزد، اقیانوس آرام است، نه اقیانوس هند. برای هند چارچوب اقیانوس هند و آرام از سواحل شرقی افریقا تا غرب و جنوب اقیانوس آرام امتداد دارد و بخش‌هایی از خاورمیانه را نیز شامل می‌شود. در مقابل، نه افریقا و نه خاورمیانه در برداشت ایالات متحده از اقیانوس هند و اقیانوس

سربازان هندی و چینی در نیمه‌های سال ۲۰۲۰ در اوج همه‌گیری ویروس کرونا، در دره گالوان، منطقه اقصا/اکسای چین، باهم چندین بار درگیری فیزیکی داشتند. در آن درگیری‌ها تعدادی از سربازان دو طرف پس از پرت شدن از صخره‌های کوه‌ها، کشته یا زخمی شدند. آن درگیری پس از جنگ سال ۱۹۶۲ میان هند و چین که هند بخش‌هایی از بلندی‌های لاداک را در منطقه اقصا/اکسای چین از دست داد، عمده‌ترین درگیری میان دو طرف است. هرچند پس از سال ۱۹۶۲ سربازان هندی و چینی چندین بار باهم درگیری داشتند، اما زیاد مورد توجه قرار نمی‌گرفت. معمولاً آن را یک تشنج مرزی میان سربازان می‌دانستند که پس از دیدار میان فرماندهان مرزی حل‌وفصل می‌شد. اما این درگیری متفاوت از درگیری‌های قبلی بود؛ چون چینی‌ها پس از درگیری اقدام به تصرف دیده‌بان‌های سربازان هندی در بعضی از نقاط دره گالوان شدند. از آغاز این درگیری تا به امروز تقریباً سه سال می‌گذرد، اما درگیری‌ها تا هنوز در این نقاط ادامه دارد. همچنان در حال حاضر هند دسترسی به ۲۶ منطقه نظارتی از ۶۵ منطقه را در شرق لاداک از دست داده است و ارتش چین در آن مناطق پایگاه‌های نظامی خود را ساخته‌اند.

این درگیری‌ها بین هند و چین در زمانی افزایش پیدا کرده است که جهان در حال قطب‌بندی‌های ژئوپلیتیکی جدید است. ایالات متحده در راس این هرم قرار دارد و تلاش می‌کند که قدرت‌های منطقه را برای مهار روزافزون قدرت چین دور یک محور جمع کند تا بتواند از گسترش نفوذ این رقیبش در جهان و مبدل شدن این کشور به یک قدرت تاثیرگذار در معادلات جهانی جلوگیری کند. به همین دلیل ایالات متحده امریکا چندین پیمان فرامنطقه‌ای را ایجاد کرده است. این پیمان‌ها را به نام پیمان‌های QUAD و AUKUS یاد می‌کنند. پیمان AUKUS شامل کشورهای استرالیا، ایالات متحده امریکا و انگلستان می‌شود. این پیمان یک پیمان امنیتی و دفاعی است که مهار قدرت چین در منطقه Indo-Pacific را دنبال می‌کند. پیمان دیگر به نام پیمان Quad (کواد) است. اعضای این پیمان ایالات متحده امریکا، هند، جاپان و استرالیا هستند. هدف این پیمان نیز مهار چین در منطقه Indo-Pacific است. South China Sea ایجاد کواد سه دلیل دارد؛ اولین مورد این است که ایالات متحده، استرالیا، هند و جاپان منافع خاصی در حفظ قوانین و هنجارهای نظم فعلی دارند. از این جهت در تلاش تقویت نهادهای موجود، تضمین آزادی کشتی‌رانی و تجارت و ارتقای اتصال، توسعه اقتصادی و امنیت در چارچوب قوانین و استندردهای موجود هستند. ثانیاً، این که

یک دختر جوان در پروان از سوی برادرش کشته شد

۸ صبح، پروان: منابع محلی در ولایت پروان می‌گویند که مردی در این ولایت، خواهرش را به قتل رسانده است.

این رویداد روز دوشنبه، ۲۴ دلو، در روستای بایان، از مربوطات مرکز پروان، رخ داده است.

به گفته منابع، فرد متهم قلندر خان نام دارد و خواهر جوانش را با شلیک اسلحه شکاری به قتل رسانده است.

مسوولان محلی طالبان در پروان نیز وقوع این رویداد را تایید کرده و گفته‌اند که فرد متهم به این رویداد از سوی آنان بازداشت شده است.

تاکنون انگیزه وقوع این رویداد روشن نیست.

گفتنی است که در روزهای اخیر رویدادهای جنایی در بخش‌های مختلف کشور افزایش پیدا کرده است. چندی پیش نیز یک زن در ولایت غور توسط فامیل شوهرش پس از لتوکوب سوزانده شده بود.



نیکلاسون: هندی‌ها نگران تهدیدهای ناشی از گروه‌های شبه‌نظامی در افغانستان هستند

۸ صبح، کابل: توماس نیکلاسون، نماینده ویژه اتحادیه اروپا در امور افغانستان، می‌گوید که هندی‌ها نگران تهدیدات فزاینده ناشی از گروه‌های شبه‌نظامی در حال افزایش در افغانستان هستند.

نماینده ویژه اتحادیه اروپا در افغانستان یکشنبه شب، ۲۳ دلو، در رشته توییت‌هایی از پایان سفر سه‌روزه‌اش به هند خبر داده است.

نیکلاسون گفته که در این سفر با اقشار مختلف سیاسی، اندیشکده‌ها و افغان‌های ساکن در هند دیدار کرده است.

به باور نماینده ویژه اتحادیه اروپا در امور افغانستان، اندیشکده‌ها و رسانه‌های هندی نگرانی‌شان را از تبدیل شدن گروه‌های شبه‌نظامی در افغانستان به یک تهدید فزاینده برای کشورشان ابراز کرده‌اند.

نیکلاسون همچنان گفته که هند و اتحادیه اروپا نگرانی‌های مشترک‌شان را در مورد وخامت وضعیت انسانی در افغانستان با یکدیگر شریک کرده‌اند.

هند از شرکای راهبردی افغانستان در دو دهه گذشته بوده است. هند سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی روی زیرساخت‌های افغانستان از جمله انرژی برق انجام داده است.



دانشگاه افغانستان؛

نهاد تخصصی‌ای که به تاریخ می‌پیوندد

با آمدن طالبان اکثر نهادهای تحصیلات عالی با بحران مالی، عدم حضور دانش‌جویان دختر، کمبود کادر علمی و سخت‌گیری‌های طالبان مواجهه شد. در ۲۰ سال جمهوریت دانشگاه‌های خصوصی یکی از دستاوردهای مهم نظام به شمار می‌رفت.

مصطفی مدثر



بیشتر از دو ماه از حضور طالبان در افغانستان می‌گذشت که به دانشگاه‌ها دستور دادند که باید صنف‌های درسی میان دختران و پسران را از وسط پرده بزنند یا تخته بگیرند. از این فرمان طالبان هنوز یک هفته نگذشته بود. من در مقطع لیسانس رشته روابط بین‌الملل، مضمون امنیت و تروریسم را در دانشگاه افغانستان تدریس می‌کردم. یک روز تقریباً وسط ساعت درسی بود که رییس دانشکده با عجله آمد که بچه‌ها را از صنف بیرون کنید که طالبان به دانشگاه آمده‌اند؛ چون هنوز صنف تخته گرفته نشده است.

فوراً از پسران خواستم که صنف را ترک کنند و به منزل بالایی دانشگاه بروند. اتفاقاً چون صنفی که من در آن حضور داشتم در منزل اول بود، سه طالب وارد صنف شدند و پرسیدند که چرا تخته نگرفته‌ایم و من گفتم که منتظر نجار هستیم. به همین دلیل موقتاً صنف دختران و پسران را جدا کرده‌ایم.

حدود ۱۵ دختر دانشجو در صنف حضور داشتند و با شنیدن صدای طالبان همه سراسیمه و آشفته شده بودند. برای دانش‌جویان گفتم که آرام باشند. طالبانی که برای نظارت آمده بودند، گفتند که از وزارت تحصیلات عالی آمده‌اند تا با دانش‌جویان حرف بزنند. به من دستور دادند که از صنف بیرون شوم که با این برخورد طالبان، دختران دانشجو بیشتر نگران شدند و من حدود ۱۵ تا ۲۰ دقیقه پشت دروازه صنف درسی نگران و مضطرب ایستادم. شاید این ۱۵ تا ۲۰ دقیقه سخت‌ترین لحظات عمرم بود تا طالبان بیرون آمدند و همه دانش‌جویان، به شدت ترسیده بودم. از دانش‌جویان پرسیدم که طالبان چه گفتند؟ گفتند که از آن‌ها پرسیده که چی می‌خوانند و چرا حجاب شرعی را مراعات نمی‌کنند. یکی از دانش‌جویان از سه فردی که به نمایندگی از طالبان در دانشگاه حضور پیدا کرده بودند، پرسیده بود که ما روابط بین‌الملل می‌خوانیم، می‌توانیم که سفیر یا دیپلمات شویم در امارت؟ طالب ساده و کوتاه پاسخ داده بود که در اسلام برای زن اجازه نیست تا دیپلمات یا سفیر شود. بلی این دانشگاه همان دانشگاه افغانستان بود که در هفته گذشته مسوولانش اعلان کرد که به دلیل مشکلات مالی و عدم حضور دختران که بخش قابل ملاحظه دانش‌جویانش را تشکیل می‌داد، دانشگاه را به فروش گذاشته یا هم بسته می‌کنند.

من مقطع لیسانس و ماستری‌ام را در دانشگاه افغانستان دانشجو بودم و مدتی در مرکز تحقیقات این دانشگاه رضاکارانه کار می‌کردم و مدت کوتاه هم در این دانشگاه تدریس می‌کردم. من وابسته و دل‌بسته این مکان بودم و هستم. دانشگاه افغانستان یک مکان کوچک، با اهداف بزرگ از طرف شماری از استادان برجسته روابط بین‌الملل در سال ۱۳۹۱ بنیان‌گذاری شده بود. رشته‌های روابط بین‌الملل را در مقطع لیسانس و ماستری، مطالعات توسعه و حقوق را در مقطع لیسانس تدریس می‌کرد. با آن‌که کمتر از ۱۰ سال از عمر این دانشگاه می‌گذشت، توانسته بود که جایگاه خود را در میان دانشگاه‌های خصوصی پیدا کند و مقطع ماستری آن بسیار درخواست‌کننده داشت.

مرکز تحقیقات این دانشگاه به اندازه کافی ادبیات روابط بین‌المللی با نگاهی بومی و کابل‌محور تولید کرد. مکان کوچک و تعمیر کرابی داشت، اما فکر بزرگ و اندیشه‌های مهم در آن تدریس می‌شد.

بخشی از کارمندان وزارت خارجه و دیگر نهادها، از جمله روشنفکران و خبرنگاران زیادی در این دانشگاه درس خواندند. این دانشگاه خود را در رشته روابط بین‌الملل از سایر دانشگاه‌ها یک سر و گردان بالاتر می‌دانست و تخصصی‌تر تدریس می‌کرد. حالا اما این دانشگاه قرار است که به تاریخ بپیوندد و دیگر نام و نشانی از آن نماند.

طالبان چی چیز را از ما گرفتند؟

با روی کار آمدن طالبان، تنها قوانین کشور تغییر نکرده است، تنها زنان افغانستان از دانشگاه و مکتب محروم نشده‌اند، تنها چهره شهر مردانه نشده است، بلکه شیرازه یک نظام فروپاشیده است. وقتی طالبان به قدرت رسیدند، هیچ نهادی از دست این گروه در امان نماند و این گروه در پی تغییر و دیگرگونی همه ساختارها و نهادها شدند. در کشوری مثل افغانستان که شمار نهادهای آکادمیک و اثرگذار بسیار اندک است، بسته شدن یک دانشگاه به دلیل عدم حضور دانشجو و مشکلات مالی، خبر شوکه‌کننده نیست، بلکه یک فاجعه‌ای است که گلیم علم و دانش را برمی‌چیند.

طالبان در روزهای نخست حکومت‌شان می‌گفتند که در صنوف درسی میان پسران و دختران پرده بزنند؛ دوباره مکتوب فرستادند که صنف پسران و دختران را جدا بسازند. بعداً گفتند که تایم پسران و دختران در دانشگاه‌ها جدا شود یا در بسیاری از دانشگاه‌ها سه روز برای پسران و سه روز برای دختران اختصاص داده شد و سرانجام دختران را از رفتن به دانشگاه‌ها و مکتب محروم کردند و حالا حتا به کارمندان اداری دانشگاه‌ها هم اجازه کار و فعالیت نمی‌دهند. حالا که از دور به افغانستان تحت اشغال طالبان نگاه می‌اندازم، این گروه همه چیز حتا امید را از ما گرفته است. امید واپسین نشانه‌های حیات برای زنده‌گی است و این گروه، در واقع ریشه‌های امید و دانش و بالنده‌گی و آرزوی یک زنده‌گی خوب را از مردم گرفته است.

روایت تغییر طالبان

وقتی ایالات متحده امریکا با طالبان سرگرم مذاکره بود، رسانه‌های غربی روایت تغییر و سفیدنمایی طالبان را آغاز کردند و همه می‌گفتند که طالبان تغییر کرده و دیگر آن طالب دهه ۷۰ نیستند، بلکه به حقوق زنان، آزادی بیان و آزادی‌های فردی تمکین کرده و با جهان تعامل می‌کنند. این روایت سفیدنمایی طالبان چنان تبلیغ شد که حتا رسانه‌های داخلی افغانستان و شماری از چهره‌های سیاسی نیز باور کردند که طالبان تغییر کرده و به کثرت و تنوع جامعه باورمند شده‌اند؛ اما وقتی طالبان به قدرت رسیدند، نشان دادند که هیچ تغییری در باور و افکارشان به وجود نیامده است، بلکه با تجهیزات مدرن‌تر، ستم‌گرتر، خشن‌تر و

خطرناک‌تر شده‌اند. روایت سفیدنمایی طالبان یک دروغ بزرگی بود که کشورهای غربی آن را تبلیغ کردند و رسانه‌های جهانی را در خدمت آن گرفتند.

فروپاشی نهادهای تحصیلی

با آمدن طالبان اکثر نهادهای تحصیلات عالی با بحران مالی، عدم حضور دانش‌جویان دختر، کمبود کادر علمی و سخت‌گیری‌های طالبان مواجهه شد. در ۲۰ سال جمهوریت دانشگاه‌های خصوصی یکی از دستاوردهای مهم نظام به شمار می‌رفت. با همه انتقاداتی که بر این نهادهای نوپا وجود داشت، توانسته بودند که یک نوع رقابت خودی را به میان بیاورند و آهسته‌آهسته نهادهای تازه‌تاسیس که عمر اندک داشتند، به نهادهای معتبر آکادمیک مبدل شوند. در کنار سایر خدماتی که این نهادها ارائه می‌کرد، فشار کلانی را از شانه‌های حکومت برداشته بود و در رشته‌های مختلف، کادر به جامعه کاری و آکادمیک افغانستان تولید می‌کرد.

وقتی طالبان به قدرت رسیدند، با قوانین سخت‌گیرانه این نهادها را تا به مرز فروپاشی رساندند. اکثر استادانی که تا سوپه ماستری و دکتورا در خارج از افغانستان درس خوانده بودند، از دانشگاه‌های دولتی و خصوصی به خارج از کشور فرار کردند. تمام دانشگاه‌ها در خلای کادری به سر می‌بردند و استادان از تمام رشته‌ها نتوانستند زیر سلطه طالبان زنده‌گی کنند و مهاجرت را نسبت به وضعیت افغانستان ترجیح دادند.

در دانشگاه‌های دولتی و خصوصی تقریباً نزدیک به ۴۰ درصد دانش‌جویان را دختران تشکیل می‌دادند که با فرمان طالبان از رفتن به دانشگاه‌ها محروم شدند و دانش‌جویان پسر هم با وضعیتی که در داخل افغانستان است و امیدی به آینده وجود ندارد، با این پرسش مواجه‌اند که اگر فردا از یکی از رشته‌ها هم فارغ شوند، آیا می‌توانند با طالبان کار کنند یا خیر؟ و با طرح این پرسش از رفتن به دانشگاه‌ها صرف نظر می‌کنند. طالبان هر روز فرمان‌های جدی و دست‌وپاگیرتری را برای دانشگاه‌ها صادر می‌کنند که حتا به هیچ زنی اجازه کار اداری و عملی را در دانشگاه‌های خصوصی نمی‌دهند.

از رهبری طالب گرفته تا جنگ‌جویانش، به درس مدرن و دانشگاه باور ندارد و حتا وزیر تحصیلات طالبان باری گفته بود که از دانش‌جویانی که در ۲۰ سال گذشته فارغ شده‌اند، هیچ انتظاری ندارند و به درد طالبان نمی‌خورند. طالبان بدشان نمی‌آید که دانشگاه‌ها و نهادهای تحصیلی بسته شود و هر کسی که می‌خواهد آموزش ببیند، به مدارس برود تا یک‌دست‌سازی جامعه رقم بخورد و این گروه، نسل بعدی خود را تربیت کند. طالب تصور یک مدرسه دینی از افغانستان دارد و تمام تفکراتش به این موضوع می‌رسد که چطور مدرسه‌های دینی بسازد و طالب تربیت کند.

نزدیک به یک هفته پس از وقوع زمین لرزه‌های مرگبار در ترکیه و سوریه، سازمان زمین شناسی آمریکا از شناسایی ۷ کشوری که بیشتر واقعات زمین لرزه را تجربه خواهند کرد، خبر داده است. اژانس خبری فرانسه روز دوشنبه، ۱۳ فبروری، به نقل از سازمان زمین شناسی آمریکا گزارش داده است که فلجی، تانگه، اندونیزیا، جاپان، چین، ایران و ترکیه به‌عنوان کشورهای زلزله خیز شناسایی شده‌اند. زمان مشخصی برای وقوع زمین لرزه در این کشورها ذکر نشده است. با آن که پیش از این وقوع زمین لرزه در افغانستان، تاجیکستان، اوزبیکستان، پاکستان و هندوستان پیش‌بینی شده بود، اما در گزارش سازمان زمین شناسی آمریکا هیچ اشاره‌ای به این کشورها نشده است.

تلاش‌های مبارزه با

تروریسم



متحدہ محتاط بوده است؛ نه اشتیاق زیادی نشان داده و نه همکاری با پاکستان را رد کرده است. ایالات متحده احیای برنامه صندوق بین‌المللی پول برای پاکستان را تسهیل کرده است. این کشور همچنین به بازسازی مناطق آسیب‌دیده توسط سیل در ماه جون سال گذشته تعهد داده و به پاکستان کمک کرد تا حدود ۹ میلیارد دلار را در کنفرانس جینوا جمع‌آوری کند. اگرچه کانال‌های رسمی دفاعی و دیپلماتیک بین دو کشور فعال است، ایالات متحده به‌گونه شفاهی حمایت خود از پاکستان را برای تلاش‌هایش در مقابله با تروریسم تضمین کرده است. با این حال، چشم‌انداز همکاری گسترده‌تر به رخدادهای ژئوپولیتیک منطقه‌ای و شدت تهدید تروریسم بسته‌گی دارد.

ایالات متحده همچنین تا حد زیادی نگران واکنش تشکیلات نظامی پاکستان (که در مقابله با تروریسم با آن‌ها همکاری خواهد کرد) و رابطه‌ای که آن‌ها با طالبان دارند، خواهد بود. مهم‌تر از همه، رویکرد پاکستان در حفظ تعادل در روابط خود با چین و ایالات متحده، نیز به‌طور قابل توجهی در همکاری احتمالی واشنگتن نقش خواهد داشت. تا آنجایی که به همکاری استراتژی مبارزه با تروریسم مربوط می‌شود، هدف اصلی ایالات متحده حذف القاعده ضعیف‌شده از منطقه و کنترل گروه شبه‌نظامی «دولت اسلامی - خراسان» خواهد بود. تی‌تی‌پی تهدید قابل توجهی برای ایالات متحده نیست؛ زیرا فقط بر پاکستان متمرکز است. پاکستان باید ایالات متحده را متقاعد کند که تحریک طالبان پاکستان به اندازه القاعده تهدیدی قوی است که هنوز پیوندها یا جاه‌طلبی‌های جهانی دارد. جالب توجه است که این دیدگاه در پاکستان و منطقه وسیع‌تر نیز وجود دارد که تحریک طالبان پاکستان می‌تواند خطری مشابه برای رژیم طالبان ایجاد کند که القاعده در دهه ۱۹۹۰ برای اولین رژیم طالبان ایجاد کرد.

طالبان افغان تاوان عدم همکاری علیه القاعده را پرداختند و این بار تحریک طالبان پاکستان در حال آزمایش اعصاب این گروه خواهند بود. بدیهی است که هیچ نشانه‌ای مبنی بر قطع کامل ارتباط طالبان با تحریک طالبان پاکستان

پس از خروج نیروهای ایالات متحده و ناتو از افغانستان، استراتژیست‌ها در واشنگتن احساس کردند که پاکستان به آن‌ها خیانت کرده است.

جدا از برخی «ناراحتی‌های» قدیمی علیه پاکستان، ایالات متحده از نحوه جشن گرفتن تسلط طالبان بر کابل به‌عنوان یک «پیروزی» در پاکستان، نگران شد. حتا عمران خان، نخست‌وزیر پاکستان، در آن زمان نتوانست شور و شوق خود را نسبت به تسلط طالبان بر افغانستان مهار کند و گفت که «آن‌ها طوق برده‌گی را شکست‌اند».

اکنون کمتر از دو سال پس از به قدرت رسیدن طالبان، ناامیدی در پاکستان به سطحی رسیده است که این کشور در حال بازنگری و تقویت سیاست‌های امنیتی داخلی خود، علاوه بر تلاش برای ترمیم روابط خود با واشنگتن است. هنوز مشخص نیست که رابطه عاشقانه پاکستان با طالبان به پایان رسیده است یا خیر. با این حال، واضح است که پاکستان در تلاش برای احیای همکاری ضد تروریسم خود با ایالات متحده است. ظاهراً تمرکز استراتژی مبارزه با تروریسم، بر گروه‌های تروریستی فعال در افغانستان است، از جمله تحریک طالبان پاکستان.

بلاول بوتو زرداری، وزیر امور خارجه پاکستان، در آخرین سفر خود به واشنگتن اشاره کرد که پاکستان و ایالات متحده در ماه آینده برای بررسی احتمالات هماهنگی تلاش‌ها برای مبارزه با تروریسم گفت‌وگو خواهند کرد. اسلام‌آباد درک می‌کند که همکاری و همگرایی با استراتژی مبارزه با تروریسم، می‌تواند چشم‌انداز همکاری اقتصادی و استراتژیک را گسترش دهد. تاکنون ایالات

۹۰ مسافر در شاهراه کابل - غور گیر مانده‌اند

۸صبح، غور: در پی برفباری‌های سنگین، منابع محلی می‌گویند که حدود ۱۰۰ مسافر در شاهراه کابل - غور گیر مانده‌اند.

منابع روز دوشنبه، ۲۴ دلو، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که ۵ موتر مسافربری با ۹۰ با سرنشین در کوتل بکک متوقف شده‌اند.

به گفته منابع، در میان مسافران گیرمانده زنان و کودکان نیز شامل هستند.

مسافران گیرمانده در شاهراه کابل - غور خواهان کمک و بازگشایی این مسیر هستند.

طالبان در مورد مسدودیت این شاهراه چیزی نگفته‌اند و تنها به فردی اشاره کرده‌اند که ادعا می‌کند روز گذشته در ولسوالی شهرک ولایت غور از سردی هوا نجات داده شده است.

این در حالی است که روز گذشته یک باشنده ولسوالی لعل‌وسر جنگل ولایت غور در پی سردی هوا جان باخت.



زمین لرزه ۴.۳ ریشتری بدخشان و بخش‌های دیگر افغانستان را لرزاند

۸صبح، کابل: زمین لرزه نسبتاً شدید ولایت بدخشان و بخش‌های دیگر افغانستان را تکان داده است. ولکانو دیسکوری گزارش داده که این زمین لرزه با قدرت ۴.۳ ریشتر ساعت ۵:۴۷ بامداد روز دوشنبه، ۲۴ دلو، در بدخشان رخ داده است.

این زمین لرزه با عمق ۱۳۵ کیلومتر از جنوب غرب ولسوالی اشکاشم بدخشان منشأ گرفته است.

به گفته منابع محلی، این زمین لرزه در بخش‌های دیگر افغانستان از جمله تخار، کندز و بغلان نیز احساس شده است.

در همین حال، برخی از رسانه‌ها گزارش داده‌اند که این زمین لرزه در ساحاتی از تاجیکستان، پاکستان و اوزبیکستان نیز احساس شده است.

گفتنی است که پس از زمین لرزه‌های مرگبار در ترکیه، هشدارهایی از زمین لرزه قدرتمند با منشأ افغانستان نیز داده شده است.



وجود ندارد و این باعث تشدید خشم در پاکستان شده است.

اگر هر دو طرف در مورد همکاری استراتژی مبارزه با تروریسم توافق کنند، چالش واقعی تعیین یک استراتژی برای اجرای این همکاری خواهد بود. اگر قرار است همکاری به اشتراک‌گذاری اطلاعات محدود شود، آنگاه این امر قبلاً در سطوح خاصی اتفاق افتاده است. آیا ایالات متحده مانند گذشته در حمله بر رهبری تحریک طالبان پاکستان از طریق هوایماهای بدون سرنشین کمک خواهد کرد؟ راه‌هایی برای افزایش پشتیبانی فنی و لوجستیکی با ایالات متحده وجود دارد.

اما سوال اصلی این است که چگونه پاکستان با رژیم طالبان که از قبل به حمایت پاکستان در قتل ایمن الظواهری، رهبر القاعده در کابل مشکوک است، برخورد خواهد کرد؟

هر گونه همکاری عملیاتی بین دو کشور، می‌تواند چالش امنیتی داخلی و سیاست پاکستان را نیز پیچیده کند. همکاری گسترده استراتژی مبارزه با تروریسم با ایالات متحده، مانند راه رفتن روی طناب برای پاکستان است. معمولاً در بسیاری از محافل سیاسی در واشنگتن و اسلام‌آباد اعتقاد بر این است که ایالات متحده و جهان به‌طور کلی اجازه نمی‌دهند کشوری که دارای زرادخانه هسته‌ای است، برای مدت طولانی دچار بحران اقتصادی شود، به‌ویژه زمانی که این دولت برای عادی‌سازی روابطش با ایالات متحده آمریکا تلاش می‌کند. این کارشناسان اغلب پیشنهاد می‌کنند که پاکستان به‌خوبی در چارچوب چندجانبه ایالات متحده قرار می‌گیرد. آن‌ها استدلال می‌کنند که پاکستان سابقه طولانی در روابط دوجانبه با ایالات متحده دارد و از این کشور می‌تواند با اطمینان در مدیریت صفحه شطرنج خود در آسیای جنوبی و مرکزی استفاده کند.

با این حال، چنین خوش‌بینی‌ای به بهبود تصویر پاکستان در ارزیابی‌های امنیتی آمریکا، به‌ویژه زمانی که صحبت از چین می‌شود، کمکی نکرده است. آخرین گزارش سالانه وزارت دفاع ایالات متحده، پاکستان را به‌عنوان تنها شریک استراتژیک چین در هر شرایط آب‌وهوایی رتبه‌بندی کرده که چین می‌تواند مکانی را برای تاسیسات لوجستیکی نظامی در نظر بگیرد. در سناریوی استراتژیک منطقه‌ای، همکاری استراتژیک پاکستان و چین اجباری است و همکاری آن‌ها تنها افزایش خواهد یافت. با این حال، حفظ تعادل برای پاکستان چالش‌برانگیزتر خواهد شد؛ زیرا تنش‌های آمریکا و چین افزایش می‌یابد و ممکن است مرحله‌ای فرا برسد که پاکستان گزینه بی‌طرفی را نداشته باشد. با این حال، اگر تنش‌ها به سطحی برسد که کانال‌های رسمی دیپلماتیک هیچ دلیلی برای امیدواری ایجاد نکنند، می‌توانند کانال‌های غیررسمی بین دو قدرت جهانی را تسهیل کنند.

پاکستان برای به دست آوردن چنین قدرت دیپلماتیکی، نیاز به بهبود اقتصادی دارد که تنها با کمک آمریکا، چین و دیگر کشورهای دوست در خلیج فارس امکان‌پذیر است. همکاری استراتژی مبارزه با تروریسم ارزش متفاوتی نسبت به دهه گذشته دارد. پاکستان باید کلید جدیدی بیابد تا خود را به چشم‌انداز سیاسی منطقه‌ای مرتبط کند. تا کنون مشخص است که کلید چگونه خواهد بود، اما بهبود اقتصادی و ثبات سیاسی می‌تواند محیط مساعدی را برای بازنگری فرآیندها فراهم کند.

چین بیشتر نگران وضعیت تروریسم در پاکستان است؛ زیرا این یک تهدید بزرگ برای سرمایه‌گذاری مربوط به CPEC می‌تواند باشد. بیجینگ همچنین مایل است حمایت خود را برای مقابله با تهدیداتی که پاکستان باید با آن‌ها مبارزه کند، یا با بدون کمک رژیم طالبان در افغانستان، گسترش دهد.

زمین لرزه‌های مرگبار در ترکیه و سوریه؛ آمار کشته‌شده‌گان از مرز ۳۶ هزار تن گذشت

از سوی دیگر، در حالی که ترکیه در یک هفته اخیر بدترین زمین لرزه مرگبار در صد سال اخیر را تجربه کرده، سازمان زمین شناسی آمریکا به تازه‌گی ترکیه را یکی از ۷ کشور زلزله‌خیز در جهان معرفی کرده است.



رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند که شمار کشته‌شده‌گان زمین لرزه‌های مرگبار در ترکیه و سوریه از مرز ۳۶ هزار تن گذشته است. الجزیره روز دوشنبه، ۱۳ فبروری، گزارش داده است که عملیات جست‌وجو و نجات همچنان ادامه دارد. برنیاد اطلاعات نشر شده، تا کنون اجساد ۳۱ هزار و ۶۴۳ تن در ترکیه و اجساد ۴ هزار و ۵۰۰ تن در سوریه از زیر آوار بیرون کشیده شده است. مارتین گریفیتس، مسوول کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد، گفته که تلاش‌های امدادگران برای نجات گیرمانده‌گان در حال پایان یافتن است. این مقام سازمان ملل همچنان گفته است که ارسال کمک‌های بشردوستانه به مناطق زلزله‌زده تحت کنترل شورشیان در سوریه متوقف شده است. گریفیتس تأیید کرده که آسیب‌دیده‌گان زمین لرزه در شمال غرب سوریه احساس می‌کنند که در این مصیبت تنها گذاشته شده‌اند.